

جهان بر سر دوراهی

گفت‌وگو با فیدل کاسترو پیرامون
خطر یک جنگ هسته‌ای



میشل خوسودفسکی

برگردان: خ. طه‌وری

تارنگاشت عدالت

آذر ۱۳۸۹

درآمد

از ۱۲ تا ۱۵ اکتبر من در هاوانا با فیدل کاسترو در رابطه با خطر جنگ اتمی، بحران اقتصادی جهانی و خصلت نظم نوین جهانی گفت‌وگوهای گسترده و مبسوطی انجام دادم که به مصاحبه پرباری در مورد مسایل مختلف تبدیل گردید.

در مرکز بخش اول این مصاحبه که در «گلوبال ریسرچ» انتشار می‌یابد خطر جنگ اتمی قرار دارد.

جهان بر سر دوراهی خطرناکی قرار گرفته است. ما به یک نقطه بحرانی از تاریخ خود رسیده‌ایم.

مصاحبه با فیدل کاسترو، نوع تعبیر طبیعت جنگ مدرن را ارایه می‌دهد: اگر عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران به وقوع بپیوندد، ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان آن قادر نخواهند بود در یک جنگ متعارف و معمولی پیروز شوند و ممکن خواهد بود که این جنگ به یک جنگ اتمی تبدیل گردد.

جزئیات فراهم کردن مقدمات این جنگ علیه ایران در مقابل انظار عمومی جهان کتمان می‌گردد. «چطور می‌توان با پیشنهاد شیطانی، بی‌معنی و مهمل دولت ایالات متحده آمریکا، که استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایران، دنیا را مطمئن‌تر خواهد ساخت، مبارزه کرد؟»

یکی از عباراتی که طی مصاحبه از طرف فیدل کاسترو فرموله شد، «مصاف ایده‌ها» است. رهبر انقلاب کوبا بر این عقیده است که تنها یک مبارزه پرشکوه ایده‌ها می‌تواند روند تاریخ جهان را تغییر دهد. هدف این است که از وقوع آن چیز غیرقابل تصور، یعنی جنگ اتمی، که حیات را در کره زمین نابود خواهد ساخت، جلوگیری به عمل آید.

رسانه‌های دست‌نشانده و شریک جرم با اقدامات خود در کتمان حقیقت سهیم اند. آن‌ها پی‌آمدهای یک جنگ اتمی را یا بی‌اهمیت جلوه می‌دهند و یا اصلاً منعکس نمی‌کنند. تحت این شرایط بایستی که پیام فیدل کاسترو شنیده شود: تمام خلق‌های جهان، همه جامعه اروپا، چه در داخل و چه در خارج از کشور خود باید جدی بودن وضعیت کنونی را درک کنند و با شدت در کلیه سطوح جامعه فعالیت کنند تا روند وقایع را به مسیر درست هدایت نمایند.

«مصاف ایده‌ها» بخشی از روند انقلابی است. با در نظر گرفتن وجود دریایی از کژآگاه‌سازی و دروغ‌پراکنی، فیدل کاسترو بر این عقیده است که باید «کلام» را ترویج کرد و انظار عمومی را مطلع ساخت. باید «غیرممکن را ممکن گردانید» تا از وقوع یک ماجراجویی نظامی، که به معنی واقعی کلمه تمامی بشریت را مورد تهدید قرار خواهد داد، جلوگیری به عمل آید.

اگر به رهبری ایالات متحده آمریکا و با تأیید مؤسسات بین‌المللی و استفاده از اتورته سازمان ملل متحد یک جنگ تبدیل به «حربه صلح» گردد، دیگر بازگشتی وجود نخواهد داشت: جامعه بشری به طور غیرقابل‌تغییری در راه نابودی خود به قعر سقوط خواهد کرد.

«مصاف ایده‌ها» که فیدل کاسترو خواستار آنست باید تبدیل به یک جنبش جهانی گردد. خلق‌ها باید علیه این برنامه شیطانی بسیج گردند.

می‌توان مانع از این جنگ شد، اگر خلق‌ها، دولت‌ها و نمایندگان منتخب خود را زیر فشار قرار دهند، وقتی که انسان‌ها در سطوح محلی، شهرها و دهکده‌ها بسیج شوند، اگر به نشر این کلام بپردازند، شهروندان خود را در مورد پی‌آمدهای جنگ اتمی مطلع سازند و اگر به بحث و تبادل‌نظر با نیروهای نظامی کشورهای خود دامن زنند.

یک جنبش توده‌ای خلق لازم است که در سطح جهان مشروعیت جنگ را به شدت زیر سؤال ببرد و جنگ را تبه‌کاری دانسته و مورد مجازات قرار دهد.

فیدل کاستر در سخنرانی ۱۵ اکتبر خود در مورد خطر یک جنگ هسته‌ای به جهان هشدار داد: «سیاست‌مداران و نظامیان آمریکا همیشه ادعا می‌کنند که همیشه خسارت‌های جنبی غیرنظامی وجود خواهد داشت، برای این که مرگ مردم بی‌گناه را توجیه کنند. در یک جنگ اتمی، «خسارت‌های جنبی غیرنظامی» حیات تمامی بشریت خواهد بود. باید این قدر جرأت داشته باشیم و اعلام کنیم که کلیه سلاح‌های هسته‌ای و متعارف، و هر چه در خدمت جنگ است، باید از بین برود.»

«مصاف ایده‌ها» در این نهفته که جنایتکاران جنگی که دارای شغل و مناصب بالا هستند به چالش کشیده شوند تا تفاهمی که از طرف ایالات متحده آمریکا به نفع یک جنگ جهانی به دنیا تحمیل شده، شکسته شود، تا شیوه فکری میلیون‌ها نفر از مردم تغییر یابد، تا سلاح‌های هسته‌ای از بین برود. به طور عمده «مصاف ایده‌ها» در این نهفته که حقیقت مجدداً عیان شود و احیا گردد و پایه‌های یک دنیای صلح‌آمیز تثبیت گردد.

میشل خوسو دفسکی، گلوبال ریسرچ، مونترال

«ایالات متحده آمریکا یک جنگ متعارف را خواهد باخت و جنگ اتمی برای هیچ کس آلترناتیوی نمی‌باشد. از طرف دیگر جنگ اتمی به طور اجتناب‌ناپذیری به جنگ جهانی اتمی مبدل خواهد شد.»

«تصور می‌کنم که هیچ کس در روی کره زمین خواستار انقراض بشریت نیست. به همین دلیل بر این عقیده‌ام که نه تنها سلاح‌های هسته‌ای، بلکه همین‌طور سلاح‌های متعارف نیز باید از میان بروند. باید به کلیه خلق‌های روی زمین بلااستثناء تضمین صلح داد.»

«در شرایطی که جنگ اتمی رخ دهد، بشریت تبدیل به خسارت جانبی خواهد شد! باید آن قدر جرأت داشته باشیم که اعلام کنیم که تمام سلاح‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای، هر چیز که در خدمت جنگ است، باید ناپدید گردند.»

«مسئله اینجاست که بخواهیم، که دنیا به قهقرای فاجعه اتمی سوق داده نشود، مسئله اینجاست که حیات حفظ گردد.»

فیدل کاسترو روس

اکتبر ۲۰۱۰



خسودوفسکی: مفتخرم که امکان این تبادل نظر و گفت‌وگو در مورد معضلات اساسی را که جامعه بشری با آن مواجه است با شما داشته باشم. آن دانش پایه که شما در مقاله اخیر خود در رابطه با تهدید انسان اندیشه‌ورز (هومو ساینس) ارایه داشتید، به نظر من دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. این تهدید، خطر جنگ اتمی و تهدید بشریت چگونه است؟

کمانداتته فیدل کاسترو روس: مدتی است، می‌خواهم بگویم چند سال است - ولی به ویژه از چند ماه پیش دچار نگرانی در مورد یک جنگ احتمالی بسیار خطرناک هستم، که می‌تواند بسیار سریع به یک جنگ اتمی تبدیل شود.

قبل از آن، هم و کوششم در مورد تجزیه و تحلیل سیستم سرمایه‌داری و شیوه‌ها و روش‌هایی بود که استبداد امپراتوری به بشریت تحمیل کرده است. ایالات متحده آمریکا در مورد جهان، اساسی‌ترین حقوق را زیر پا می‌گذارد.

طی دوران جنگ سرد نه در مورد جنگ و نه در مورد سلاح‌های هسته‌ای صحبتی نمی‌شد. صحبت از یک صلح ظاهری بود، یعنی که این صلح بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا در چارچوب MAD، یعنی «عدم نابودی متقابل» تضمین شده بود. این طور به نظر می‌رسید که لذات یک صلح طولانی و نامحدود، شامل حال دنیا گردیده است.

خسودوفسکی: ... آن تصور در مورد «نابودی متقابل» با پایان جنگ سرد، خاتمه یافت و پس از آن دکترین اتمی از نو تعریف گردید، زیرا که ما در طی دوران جنگ سرد هیچ‌گاه واقعاً به یک جنگ اتمی نیاندیشیده بودیم. خوب، به هر حال آن‌طور که رابرت مک‌نامارا روزی گفته بود، یک خطر عینی وجود داشت... اما پس از جنگ سرد و به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر آن‌ها به تعریف نوین دکترین اتمی پرداختند.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: سؤال کردید که ما کی تهدید خطر جنگ اتمی را احساس کردیم. این درست در همان زمانی بود که قبلاً گفتم، چیزی کم تر از شش ماه پیش. قبل از هر چیز غرق کشتی Cheonan در طی اجرای یک مانور نظامی، یکی از مسایلی بود که در رابطه با تشدید خطر جنگ برای ما خیلی مشکوک به نظر رسید. این کشتی، بهترین ناو از ناوگان کره جنوبی و بسیار مدرن و با تکنولوژی پیشرفته بود. در همان روزها بود که ما مقاله آن روزنامه نویس را در گلوبال ریسرچ یافتیم که اطلاعات بسیار روشن و دقیقی در مورد غرق کشتی Cheonan منتشر کرده بود و نشان می داد که این کار نمی توانست کار یک زیردریایی با تکنولوژی کهنه باشد، که ۶۰ سال پیش در اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده بود، زیرا که در طی مانور همراه با مدرن ترین ناوهای ایالات متحده آمریکا Cheonan برای کشف زیردریایی نامبرده نیازی به دستگاه های مدرن نداشت.

این تحریکات علیه جمهوری دموکراتیک کره به نگرانی های قدیمی ما در رابطه با تجاوز به ایران افزوده شد. ما از نزدیک روند سیاسی در آن کشور (ایران) را دنبال می کردیم. ما دقیقاً می دانستیم که در دهه ۵۰ در آن کشور چه اتفاقاتی افتاد، هنگامی که ایران مالکیت بریتیش پترولیم را، که در آن زمان خود را کمپانی نفت ایران و انگلیس می نامید، ملی کرد.

از دید من تهدیدات علیه ایران در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ با قطع نامه ۱۹۲۹، هنگامی که شورای امنیت سازمان ملل متحد ایران را به جرم تحقیقات و تولید مقادیر کمی از اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده، محکوم کرد و این کشور را به عنوان تهدیدی برای جهان اعلام داشت، بسیار حاد شد. در این جلسه شورای امنیت موضع گیری کلیه اعضا ثبت گردید: ۱۲ رأی موافق (۵ رأی متعلق به کشورهای دارای حق وتو)، یک ممتنع و ۲ مخالف، که این دو یکی برزیل و دیگری ترکیه بود. پس از آن که این قطع نامه، که خشن ترین قطع نامه از نوع خود بود، به تصویب رسید، بلافاصله یک ناو هواپیمابر آمریکایی با واحدهای جنگی و یک زیردریایی اتمی با همکاری دولت مصر عازم کانال سوئز گردیدند. واحدهای نظامی اسرائیل نیز به همین صورت به سوی خلیج فارس و دریاهای نزدیک ایران به حرکت درآمدند.

تحریم‌هایی که توسط ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان آنان در ناتو علیه ایران تحمیل شده، کاملاً مبالغه‌آمیز و ناعادلانه است. من نمی‌توانم درک کنم که چرا روسیه و چین از حق وتوی خود علیه قطع‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل استفاده نکردند. به نظر من این اقدام وضعیت سیاسی را بیش از حد تشدید کرد و جهان را به لب پرتگاه یک جنگ سوق داد.

من پیش‌زمینه حمله اسرائیل به مرکز تحقیقات اتمی عربی را به خاطر دارم. آن‌ها در ابتدا مرکز اتمی عراق را در ژوئن ۱۹۸۱ مورد حمله قرار دادند و آن را نابود کردند و از هیچ‌کس نیز اجازه نگرفتند. با هیچ‌کس هم حرفی نزدند. آن‌ها حمله کردند و عراق نیز مجبور شد حمله را تحمل کند.

در سال ۲۰۰۷ این عملیات علیه مرکز تحقیقاتی که سوریه در دست ساختمان داشت، تکرار شد؛ در این جریان مسأله‌ای وجود دارد که من واقعاً خوب نمی‌فهمم: برای من این تاکتیک روشن نیست؛ به هر حال و به هر دلیل که چرا سوریه از این حمله اسرائیل علیه مرکز تحقیقاتی خود شکایت نکرد. آن‌ها در بخشی فعالیت داشتند و آشکار است که آن‌ها از کمک کره شمالی برخوردار بودند. این کار کاملاً قانونی است و آن‌ها هیچ خطایی نکردند.

من به وضوح می‌گویم که نمی‌فهمم که آن‌ها چرا شکایت نکردند؛ چون از نظر من مهم بود که از اسرائیل شکایت کنند. این‌ها دو مورد نمونه و مهم اند.

به نظر من دلایلی متعددی وجود دارد که بتوان تصور کرد که آن‌ها (اسرائیل) در مورد ایران نیز امتحان خواهند کرد: تلاشی مراکز تحقیقاتی و تأسیسات انرژی اتمی. همان‌طور که می‌دانیم باقیمانده اورانیوم پس از تولید انرژی، ماده خام پلوتونیوم است.

خسودفسکی: این واقعیتی است که این قطع‌نامه شورای امنیت، برنامه همکاری نظامی را که روسیه و چین با ایران دارند تا درجه‌ معینی باطل می‌سازد. به ویژه روسیه در رابطه با سیستم پدافند موشکی اس-۳۰۰ با ایران همکاری می‌کند.

به یاد می‌آورم که وزیر امور خارجه روسیه بلافاصله پس از تغییر جبهه چین و روسیه در رابطه با تصمیم شورای امنیت گفت: «ما این قطع‌نامه را نپذیرفتیم و همکاری نظامی ما با ایران را کد نخواهد شد.» این مطلب در ماه ژوئن بود. ولی چند ماه بعد دولت مسکو تأیید کرد که این همکاری نظامی را کد خواهد ماند. بدین طریق ایران اکنون در یک وضعیت بسیار بحرانی قرار گرفته است، زیرا که ایران به تکنولوژی روسیه محتاج است تا بتواند امنیت خود و یا پدافند هوایی خود را حفظ کند.

ولی من فکر می‌کنم که کلیه تهدیدات علیه روسیه و چین بدین خاطر بود تا این دو کشور را از مسأله ایران خارج کنند. این بدان معنی است که اگر جنگی علیه ایران به وقوع بپیوندد، قدرت‌های دیگر، یعنی روسیه و چین به هیچ‌وجه دخالت نخواهند کرد. آن‌ها همکاری‌های نظامی خود را را کد خواهند گذارد و بدین صورت این راهی است که جنگ در خاورمیانه را ادامه داد بدون آن‌که درگیری با روسیه و یا چین به وجود آید. به نظر من وضعیت در حال حاضر این‌گونه است.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: با کمال فروتنی، به نظر من با استفاده از حق و تو می‌بایستی از تصویب این قطع‌نامه جلوگیری می‌شد. به نظر من اکنون وضعیت از جهات مختلف بغرنج‌تر شده است.

از نظر نظامی، مثلاً در رابطه با مسؤولیت‌های موجود و قراردادهای به امضا رسیده در مورد تحویل موشک‌های اس-۳۰۰ به ایران. این موشک‌ها در درجه اول سلاح‌های پدافند هوایی بسیار مؤثری هستند.

چیزهای دیگری مثل تحویل مواد سوختی که برای چین بسیار مهم است، زیرا که این کشور، کشوریست که از نظر اقتصادی از همه سریع‌تر رشد می‌کند. رشد اقتصادی آن باعث افزایش تقاضا در مورد نفت و گاز می‌شود. با این که قراردادی با روسیه در مورد تأمین نفت و گاز وجود دارد، چین به طور هم‌زمان استفاده از انرژی بادی و انواع دیگر انرژی‌های تجدیدپذیر را تکامل می‌بخشد؛ این کشور دارای منابع عظیمی از زغال‌سنگ است؛ انرژی اتمی دارای رشد چشم‌گیری نخواهد بود و برای سال‌های متمادی تنها ۵ درصد انرژی لازم را ارایه خواهد نمود؛ یعنی این که نیاز اقتصاد چین به نفت و گاز بسیار زیاد است و من نمی‌فهمم که این انرژی چگونه و به چه قیمتی باید تهیه گردد، اگر کشور در آنجایی که چین سرمایه‌گذاری‌های مهمی صورت داده، بگذارد که این سرمایه‌گذاری‌ها توسط ایالات متحده آمریکا نابود گردد. ولی بدترین خطر، خطر یک چنین جنگی در ایران است. ایران یک کشور اسلامی است که دارای میلیون‌ها مبارز آموزش‌دیده و بانگیزه است.

میلیون‌ها انسان، از زن و مرد، وجود دارند که در حال آموزشند و از نظر سیاسی تعلیم می‌بینند، میلیون‌ها مبارز ورزیده، که مصمم اند جان خود را فدا کنند. آن‌ها انسان‌هایی هستند که ممکن نیست آن‌ها را مرعوب کرد و نمی‌توان آن‌ها را به زور تغییر داد. در طرف دیگر افغان‌ها هستند که اکنون توسط هواپیماهای بی‌سرنشین کشتار می‌شوند، پاکستانی‌ها نیز همین‌طور، مردم عراق که به دنبال جنگ ضد تروریستی من‌درآوردی جورج بوش شاهد مرگ یک تا دو میلیون نفر از هم‌وطنانشان بوده‌اند. در جنگ علیه دنیای اسلام نمی‌توان پیروز شد، این یک جنون استثنایی است.



خسودوفسکی: این واقعیت دارد. نیروهای متعارف و معمولی ایران بسیار عظیم اند. آنها قادرند در ظرف چند روز چندین میلیون نفر را بسیج کنند. و آنها در مرزهای عراق و افغانستان زندگی می‌کنند و حتا اگر یک جنگ صاعقه‌وار نیز صورت گیرد، ایالات متحده آمریکا قادر نخواهد بود از یک جنگ معمولی در نزدیکی پایگاه‌های خود در آن منطقه جلوگیری به عمل آورد.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: ولی مسأله اینجاست که آنها یک جنگ معمولی را خواهند باخت. مشکل اینجاست که هیچ‌کس قادر نیست در یک جنگ معمولی علیه میلیون‌ها نفر پیروز گردد. آنها توده‌های خلق و همین‌طور کشور خود را در یک محل متمرکز نخواهند ساخت که آمریکایی‌ها بتوانند آنها را با یک ضربه منهدم کنند.

ببینید، من یک پارتیزان بودم و به خاطر می‌آورم که چقدر می‌بایستی به این بیاندیشم که ما چگونه نیروهای خود را به کار گیریم و من هیچ‌گاه دچار این اشتباه نمی‌شدم که آنها را متمرکز کنم، زیرا هرچه که نیرو متمرکزتر باشد، همان قدر هم خسارت‌های ناشی از سلاح‌های کشتار جمعی سنگین‌تر خواهد بود. ...

خسودوفسکی: شما قبلاً گفتید که این مسأله بسیار مهمی بود که در تصمیم چین و روسیه برای پشتیبانی از قطع‌نامه ۱۹۲۹ در شورای امنیت، خود آن‌ها متضرر خواهند شد زیرا که اولاً روسیه سلاحی صادر نخواهد کرد و بدین صورت درآمد ارزی مهمی برای روسیه را کد خواهد ماند. ایران یکی از مشتریان و یا خریداران مهم سلاح‌های روسی بود که منبع درآمد ارزی مهمی بود که کمک بزرگی به اقتصاد مصرفی و حواجی مردم روسیه می‌کرد.

از طرف دیگر چین نیازمند انرژی است و همان‌طور که اشاره کردید، این واقعیت که چین و روسیه تفاهم در شورای امنیت را پذیرا شدند، مثل این بود که آن‌ها بگویند: «ما می‌پذیریم که قراردادهای تجارتي که ما با کشورهای سوم به امضا رسانده‌ایم فسخ گردیده و یا به نوعی اقتصاد ما متلاشی گردد.» این خیلی بد است زیرا که تنها به ایران ضرر نمی‌زند، بلکه این دو کشور نیز متضرر می‌گردند و من، با این که سیاستمدار نیستم، تصور می‌کنم که جدایی عظیمی در درون دولت روسیه و یا چین وجود دارد که باعث گردید این اتفاق به وقوع بپیوندد و روسیه بپذیرد که از حق و توی خود استفاده نکند.

به من گفته شد- من با روزنامه‌نگاران روسی هم صحبت کردم- که این تفاهم دولت نبود، بلکه یک خط مشی و یا قانون بود. ولی در دولت افرادی یافت می‌شوند که دارای موضع دیگری در رابطه با منافع روسیه و رویکرد آن در شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند.

نظر شما چیست؟

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: آیا منظورتان این است که من وضعیت را به طور کلی چگونه ارزیابی می‌کنم؟ آلترناتیو در ایران- این طور بگویم- ایالات متحده آمریکا یک جنگ معمولی را خواهد باخت و جنگ اتمی برای هیچ کس یک آلترناتیو نیست.

از طرف دیگر یک جنگ اتمی به طور اجتناب‌ناپذیری مبدل به یک جنگ اتمی جهانی خواهد شد. به همین دلیل است که خیلی خطرناک است. به نظر من در رابطه با وضعیت جاری در عراق و با در نظر گرفتن دلایلی که شما شمردید و دلایل دیگر، من به این نتیجه رسیده‌ام که جنگ، احتمالاً یک جنگ اتمی خواهد شد.

خسودوفسکی: یعنی ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان آن قادر نیستند در یک جنگ معمولی پیروز شوند و در نتیجه دست به سلاح اتمی خواهند برد ولی در این جنگ نیز پیروز نخواهند شد چون همه‌چیز را از دست خواهند داد.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: همه بازنده جنگ خواهند بود. این جنگی است که ما همه بازنده خواهیم بود. روسیه چه چیز خواهد برد اگر در آنجا یک جنگ اتمی به وقوع بپیوندد؟ چین چه چیز برنده خواهد شد؟ خصلت این جنگ چه خواهد بود؟ دنیا چه واکنشی نشان خواهد داد؟ این جنگ چه تأثیری بر اقتصاد جهانی خواهد داشت؟ شما این را در دانشگاه، هنگامی که در مورد سیستم دفاعی مرکزی که توسط پنتاگون تهیه شده سخنرانی کردید، توضیح دادید. این بیش‌تر شبیه یک داستان تخیلی است و به هیچ‌وجه مثل جنگ جهانی آخر به نظر نمی‌رسد. آن مطلب دیگر، یعنی کوشش برای تبدیل سلاح هسته‌ای به سلاح‌های استراتژیک متعارف، خیلی مهم است.

در این مورد امروز، ۱۳ اکتبر در خبری خواندم که شهروندان هیروشیما و ناکازاکی به شدت به آزمایش اتمی نیمه‌خطرناکی که ایالات متحده آمریکا اخیراً به اجرا درآورد، اعتراض کردند. این آزمایش نیمه‌خطرناک نامیده شده، چون سلاح هسته‌ای که مورد استفاده قرار گرفته، تمام انرژی ماده را آزاد نمی‌سازد.

در این خبر آمده: «خشم و برافروختگی در هیروشیما و ناکازاکی به خاطر آزمایش اتمی ایالات متحده آمریکا.» ...

«شهرهای ژاپنی، هیروشیما و ناکازاکی که در پایان جنگ جهانی دوم مورد ضربت سلاح اتمی قرار گرفتند، امروز از آزمایش اتمی که ایالات متحده آمریکا در سپتامبر به اجرا درآورد شکوه دارند. این آزمایش نیمه‌خطرناک نامیده می‌شود، چون باعث واکنش زنجیره‌ای اتمی نمی‌گردد.

این آزمایش اتمی، اولین آزمایش از این نوع در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۰۶، در مرکز صحرای نوادا در ایالات متحده آمریکا انجام گرفت. به گزارش روزنامه ژاپن‌تایمز این امر توسط وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا تأیید شد.»

این روزنامه چه نوشت؟

Hodo Nakamura شهردار ناکازاکی طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «من شدیداً اعتراض می‌کنم، چون توقع داشتم که پرزیدنت باراک اوباما در خلع سلاح هسته‌ای جهانی، رهبری را به عهده گیرد.»

پس از آن یک سلسله اخبار دیگری در این مورد درج گردیده.

«این آزمایش اعتراض شهروندان هیروشیما و ناکازاکی را به دنبال داشت، همین‌طور اعتراض برخی از بازماندگان این حمله اتمی که در اوت ۱۹۴۵ این دو شهر را ویران ساخت.»

Yukio Yoshioka معاون رییس مجمع قربانیان اتمی هیروشیما گفت: «ما نمی‌توانیم رفتاری را از طرف ایالات متحده آمریکا تحمل کنیم که به وعده پرزیدنت باراک اوباما در مورد جهانی عاری از سلاح هسته‌ای خیانت می‌کند.»

«دولت اعلام داشت که در نظر ندارد اعتراض کند.» دولت اعتراض را به عهده سازمان‌های اجتماعی می‌گذارد. وی گفت: «تعداد آزمایش‌های اتمی نیمه‌خطرناک که از ژوئیه ۱۹۹۷ تاکنون انجام یافته به ۲۶ رسیده است.»

وی گفت: «واشنگتن بر این نظر است که این نوع آزمایش‌ها قرارداد متوقف ساختن آزمایش‌های اتمی CTBT را نقض نمی‌کند، زیرا باعث واکنش زنجیره‌ای اتمی نمی‌گردد و در نتیجه انرژی اتمی آزاد نمی‌شود و در نتیجه می‌توان آن را آزمایش لابراتوری دانست.»

ایالات متحده آمریکا می‌گوید که باید یک چنین آزمایش‌هایی را انجام دهد «زیرا که برای تأمین امنیت زرادخانه اتمی آن‌ها لازم است.» یعنی این که ما چون دارای زرادخانه اتمی بزرگی هستیم، باید این آزمایش‌ها را انجام دهیم تا امنیت بیش‌تری داشته باشیم.

خسودوفسکی: بازگردیم به مسأله تهدید ایران، زیرا گفتید که ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان آن یک جنگ متعارف را نخواهند برد. این درست است، ولی سلاح هسته‌ای می‌تواند به عنوان بدیلی برای یک جنگ متعارف به کار برده شود و این عمل همان‌طور که در آثار شما تأکید شده، بی‌شک تهدیدی برای بشریت خواهد بود.

سؤالی که بیش از همه نگرانی ایجاد می‌کند، این است که پس از جنگ سرد تصویر انسان‌دوستانه‌ای از سلاح هسته‌ای ایجاد شد، بدین صورت که گفته شد که در اصل این سلاح، سلاح خطرناکی نیست و خسارتی برای مردم غیرنظامی دربر نخواهد داشت ولی به نحوی هم رفته‌رفته برچسب سلاح هسته‌ای تغییر پیدا کرد. به همین دلیل سلاح هسته‌ای از منظر معیارهای آن‌ها هیچ تفاوتی با سلاح‌های متعارف و معمولی ندارد و در مقررات نظامی حتا گفته می‌شود که سلاح هسته‌ای تاکتیکی، سلاحی است که هیچ خسارتی به مردم غیرنظامی وارد نمی‌آورد.

در نتیجه حتا می‌تواند وضعیتی پدید آید که افرادی که تصمیم خواهند گرفت با سلاح اتمی به ایران حمله کنند، قادر نباشند درک کنند که چه پی‌آمدهایی نه تنها برای خاورمیانه و آسیای مرکزی، بلکه برای تمامی بشریت به دنبال خواهد داشت، زیرا که آن‌ها خواهند گفت: «خوب، باشد، طبق معیارهای ما این سلاح‌های اتمی با

سلاح‌های دوران جنگ سرد تفاوت دارند، پس می‌توانیم از آن‌ها علیه ایران به عنوان سلاحی استفاده کنیم، که امنیت جهانی را تأمین می‌کند.»

نظر شما چیست؟ این رویکرد بسیار خطرناک است، زیرا که آن‌ها به تبلیغات خود باور می‌کنند. این نوعی تبلیغات داخلی در درون ارتش و در درون دستگاه سیاسی است.

وقتی اسناد محرمانه در مورد سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ اجازه انتشار یافتند، حتا سناتور ادوارد کندی در آن زمان گفت که بدین صورت مرز مابین سلاح‌های متعارف و اتمی مخلوط می‌گردد. و ما اکنون درست به همانجا رسیده ایم. ما در دورانی زندگی می‌کنیم، که تفاوتی مابین سلاح هسته‌ای و یا کلاشنیکف موجود نیست. کمی اغراق می‌کنم، ولی سلاح هسته‌ای تا حدی بخشی از «جعبه ابزار» آن‌هاست - این واژه‌ای است که آن‌ها استفاده می‌کنند «جعبه ابزار» - و در محل مشخص می‌شود که کدام نوع سلاح برای استفاده باید انتخاب شود، به طوری که در یک صحنه جنگ متعارف، قطعاً می‌تواند سلاح هسته‌ای نیز به کار برده شود، اقدامی که ما را به سوی آنچه که به فکر خطور نمی‌کرد، هدایت می‌کند و آن یک سناریوی جنگ هسته‌ای منطقه‌ای است که می‌تواند پی‌آمدهایی برای تمامی کره زمین داشته باشد.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: من آنچه را که شما در مذاکرات میزگرد تأکید کردید، شنیدم که این سلاح به اصطلاح بی‌آزار برای همسایگان منطقه مورد اصابت، می‌تواند دارای نیروی ضربتی یک‌سوم تا ۶ برابر بمبی که در هیروشیما به کار برده شد، باشد. امروز دقیقاً آشکار است که این سلاح چه خساراتی می‌تواند وارد آورد. تنها یک بمب آن‌ا ۱۰۰۰۰۰ نفر را به قتل رسانید. حالا فرض بفرمایید که بمبی شش برابر آن و یا دو برابر آن و یا مثل آن و یا ۳۰ درصد آن قدرت و توان داشته باشد. چقدر مهم است.

همین‌طور آنچه که شما در دانشگاه در مورد کوشش‌هایی گفتید که آن را به عنوان یک سلاح انسان‌دوستانه معرفی کنند که در حین اجرای عملیات می‌تواند در اختیار یکان‌ها قرار گیرد. این بدان معنی خواهد بود که در

لحظه مشخصی می‌تواند اختیار استفاده از این سلاح به فرمانده منطقه عملیاتی تفویض گردد، چون کاراتر از حربه‌های دیگر است، امری که او مطابق با دکترین و تعلیمات نظامی در آکادمی نظامی فرا گرفته و بدان مؤظف گردیده است.

میشل خسودوفسکی: فکر نمی‌کنم که بدین صورت سلاح هسته‌ای بدون موافقت مثلاً پنتاگون و یا مرکز فرماندهی مورد استفاده قرار گیرد؛ ولی فکر می‌کنم که می‌تواند بدون اجازه رییس‌جمهور ایالات متحده آمریکا که در عین حال فرمانده کل قوای کشور است، به کار برده شود، یعنی این که منطق کنونی حاکم شباهتی به منطق دوران جنگ سرد ندارد که یک تلفن قرمز وجود داشت و ...

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: جناب پرفسور، آنچه را که شما در رابطه با اختیارات بلندپایه‌ترین مقامات پنتاگون برای استفاده از آن سلاح‌ها می‌گویید، می‌فهمم و به نظر من صحیح است که شما این مطالب را مطرح می‌کنید، برای این که کسی آن‌ها را متهم نکند که در مورد خطر این سلاح‌ها غلو می‌کنند.

ولی ببینید، پس از آن که ما تضادها و بحث و گفت‌وگوهای مابین رییس‌جمهور آمریکا و پنتاگون را مشاهده کردیم، در صورتی که فرمانده مسؤول در منطقه عملیاتی، تقاضای اجازه استفاده از آن سلاح‌ها را بکند، چون او این اقدام را لازم و غیرقابل اجتناب می‌داند، جای هیچ تردیدی نیست که تصمیم پنتاگون چه خواهد بود.

خسودوفسکی: به نظر من یک جنبه دیگر از قضیه را نیز باید مورد توجه قرار داد و آن این است که امروزه گسترش سلاح‌های هسته‌ای در چندین کشور اروپایی که عضو سازمان نظامی ناتو هستند، مثل ترکیه، ایتالیا، آلمان، بلژیک و هلند صورت می‌گیرد و بمب اتمی به عنوان سلاح تاکتیکی در این گسترش ادغام گردیده است. و از این طریق تعداد زیادی از این بمب‌های کوچک اتمی در نزدیکی صحنه جنگ وجود دارند و از طرف دیگر اسرائیل هم هست.

هرچند که تصور نمی‌کنم اسرائیل خودسرانه جنگی را آغاز کند. این امر از منظر سیاست کاربردی و تصمیم‌گیری غیرممکن است. در جنگ‌های مدرن، با تمرکز سیستم‌های ارتباطی، لجستیکی و این چیزها، تصمیم‌گیری نیز بر اساس تمرکز صورت خواهد گرفت. ولی اسرائیل هرگاه که آمریکا چراغ سبز نشان دهد، می‌تواند اقدام کند و حمله اول را آغاز سازد. این امر خارج از محدوده امکانات نیست، هر چند که برخی از تحلیل‌گران وجود دارند که می‌گویند، جنگ علیه ایران با یک جنگ متعارف مرزی علیه لبنان و سوریه آغاز خواهد شد و سپس به بهانه آن به تشدید عملیات نظامی خواهد انجامید.



کمانداتنه فیدل کاسترو روس: دیروز، یعنی ۱۳ اکتبر، توده عظیمی از مردم لبنان به پیشواز احمدی نژاد به عنوان یک قهرمان ملی رفتند. این را من امروز در روزنامه خواندم.

از طرف دیگر با نگرانی‌های اسرائیل در رابطه با این واقعیت که مردم لبنان مردمان مبارزی هستند، آشنا هستیم. آنها اکنون در مقایسه با درگیری گذشته اسرائیل-لبنان سه برابر بیش تر خمپاره‌افکن دارند. این واقعیت باعث نگرانی اسرائیل است، زیرا- به گفته تکنیسین‌های اسرائیلی- آنها برای مقابله با آن سلاح‌ها، به نیروی هوایی

محتاجند. آنها می‌گویند که می‌توانند فقط برای چندین ساعت، ولی نه سه روز بلاانقطاع، به ایران حمله کنند، زیرا باید این خطر را در نظر داشته باشند. درست به همین خاطر و با در نظر گرفتن این وضعیت آنها روزه‌روز نگران‌تر و بی‌قرارتر می‌گردند، چون این سلاح‌ها به زرادخانه تسلیحات متعارف ایران تعلق دارند. از جمله سلاح‌های متعارف، مثلاً صدها موشک ضدکشتی درون خلیج فارس می‌باشد. از جنگ فالكلانده به این طرف آشکار است که یک کشتی می‌تواند در مقابل یک، دو و یا سه خمپاره از خود دفاع کند؛ ولی مجسم کنید که چگونه یک کشتی جنگی نسبتاً بزرگ قادر خواهد بود در مقابل این خمپاره‌ها از خود دفاع کند؟ آنها کشتی‌های بسیار سریعی دارند که توسط افراد بسیار خوب تعلیم دیده هدایت می‌شوند، زیرا که ایرانیان افراد خود را ۳۰ سال است که تعلیم می‌دهند و سلاح‌های غیراتمی بسیار مؤثری را تکامل بخشیدند.

شما خود آگاهید که در جنگ جهانی آخر، قبل از آن که بمب اتم ظاهر شود چه وقایعی اتفاق افتاد: ۵۰ میلیون نفر در اثر آثار مخرب سلاح‌های غیرهسته‌ای به قتل رسیدند.

جنگ‌های امروز شباهتی به جنگ‌های قرن ۱۹، که هنوز بمب اتمی وجود نداشت، و با این حال قدرت نابودکننده عظیمی تولید می‌شد، ندارد. بمب اتمی در لحظه آخر پدیدار شد چون ترومن می‌خواست آن را به کار بگیرد و با پرتاب بمب بر هیروشیما آزمایش انجام دهد، آنجا که ماده انفجاری از اورانیوم و دیگری در ناکازاکی که از پلوتونیوم ساخته شده بود. هر دوی آنها فوراً قریب ۱۰۰ هزار نفر را به قتل رساندند. معلوم نیست که چه تعدادی از افراد زخمی شده و یا مورد آسیب رادیوآکتیو قرار گرفتند و بعدها مردند و یا سال‌ها زیر عوارض بعدی آن زجر کشیدند. مضاف بر این که یک جنگ اتمی امروز زمستان هسته‌ای به دنبال خود خواهد آورد.

من در مورد خطراتی صحبت می‌کنم که به دنبال یک جنگ اتمی به خاطر خسارت‌های فوری پدید می‌آیند. حتا تعداد محدودی از این سلاح‌ها از طرف یک و یا دو قدرت کم اهمیت‌تر مثل هندوستان و یا پاکستان کافی خواهد بود؛ انفجار آنها کافیهست تا باعث ایجاد یک زمستان هسته‌ای شود که هشت تا ده سال به طول خواهد

انجامید و غیرممکن است که فردی بتواند زنده از آن بگذرد. در طی چند هفته نور خورشید قابل رؤیت نخواهد بود.

بشریت ۲۰۰ هزار سال قدمت دارد. تاکنون همه چیز به صورت عدی سپری گشته است و قوانین طبیعت مراعات شدند. قوانین حیات در کره زمین طی بیش از سه میلیارد سال تکامل یافتند. بنابر تحقیقات انجام گرفته، پس از گذشت هشت‌دهم یک میلیون سال انسان هومو ساپینس، یعنی موجود باهوش هنوز وجود نداشت. تا ۲۰۰ سال پیش ظاهراً این چیزها شناخته نشده بود. امروز قوانینی که جهش و تکامل تیره‌ها را هدایت می‌کنند، شناخته شده‌اند. دانشمندان، الاهیون و همین‌طور مردان خداپرست صادق که در ابتدا در پس سازوکار دستگاه عظیم کلیسا علیه داروین قیام کرده بودند، امروز قوانین تکامل را به عنوان یک واقعیت پذیرفته‌اند، بدون آن‌که اجرای صادقانه اعتقادات مذهبی آن‌ها به نحوی تحت تأثیر قرار گرفته باشد، اعتقاداتی که اغلب نگرانی‌های عمیقی را که انسان‌ها احساس می‌کنند، تخفیف می‌دهد.

فکر می‌کنم که هیچ‌کس در جهان انقراض بشریت را خواستار نیست. لذا معتقدم که نه تنها سلاح‌های اتمی، بلکه همین‌طور سلاح‌های غیراتمی و متعارف نیز باید از میان بروند. باید برای کلیه خلق‌های جهان بدون تفاوت صلح را تضمین کرد، چه برای مردم ایران و چه مردم اسرائیل. و کلیه منابع طبیعی نیز باید تقسیم گردند، آن‌ها را باید تقسیم کرد! البته نمی‌گوییم که واقعاً این‌طور خواهد شد، و یا این‌که رسیدن به آن آسان است؛ ولی آلترناتیو دیگر برای بشریت وجود نخواهد داشت، زیرا که جهان هم در رابطه با گستردگی فضایی و هم در رابطه با منابع خاص خود بسیار محدود است، حتی اگر انسان از کلیه امکانات علمی برای ایجاد منابع انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده کند. در کره زمین تقریباً ۷ میلیارد انسان زندگی می‌کنند، لذا سیاست کنترل افزایش جمعیت لازم است، همین‌طور بسیار از چیزهای دیگر. و حالا اگر شما همه این‌ها را در نظر بگیرید و از خود سؤال کنید، آیا انسان قادر است این چیزها را درک کند و از پس تمام این مشکلات برآید؟ در واقع تنها شور و اشتیاق می‌تواند فرد را بر آن دارد که بگوید: آری می‌توانم با آن‌ها برخورد کرد و بر مشکلات فائق آمد.

خسودفسکی: شما آنچه را که مورد تأکید قرار دادید، هنگامی که در مورد ترومن سخن می‌گفتید، بسیار مهم است. ترومن می‌گفت که هیروشیما تنها یک پایگاه نظامی بوده است و هیچ قربانی غیرنظامی وجود نداشته.

این تصویر از خسارات جانبی، ظاهراً از دکتترین اتمی سال ۱۹۴۵ تاکنون دارای پیوستگی است، یعنی نه در سطح واقعی، بلکه در سطح دکتترین و تبلیغات. ۱۹۴۵ گفته می‌شد: ما ۱۰۰ هزار نفر را به قتل می‌رسانیم و در عوض بشریت را نجات خواهیم داد و این واقعیت که هیروشیما یک شهر پرجمعیت بوده نفی می‌شد، بدین صورت که ادعا می‌شد این شهر یک پایگاه نظامی بوده است. ولی امروزه این نوع تقلب‌ها هم سنگین‌تر و جامع‌تر و هم سلاح‌های اتمی پیشرفته‌تر اند. و نتیجه این می‌شود که به اندازه‌ای که ما در سطح جهان به بحث و گفت‌وگو در مورد آینده بشریت و خطر یک جنگ اتمی بپردازیم، مسأله دروغ و پندار در درون گفتمان سیاسی و نظامی، ما رابه یک فاجعه جهانی خواهد کشید، بدون آن که سیاست‌مداران بتوانند دروغ خود را درک کنند.

سپس گفتید که بشریت هوشمند از ۲۰۰ هزار سال پیش به این سو وجود دارد، ولی درست وجود همین بشریت هوشمند است که در تأسیسات، در رسانه‌ها، در سازمان‌های جاسوسی و در سازمان ملل متحد ما را نابود خواهد کرد؛ چون مردم دروغ‌های آن‌ها را که به جنگ اتمی خواهد انجامید، باور می‌کنند، بدون آن که فکر کنند که این آخرین جنگ خواهد بود. و آن طور که اینشتاین به درستی گفت: «یک جنگ اتمی به بقاء بشریت نخواهد افزود، او خطری برای جهان است.» منظور او همین بود.



کمانداتنه فیدل کاسترو روس: جناب پرفسور، این‌ها حرف‌های بسیار خوبی است. خسارات جانبی در این مورد می‌تواند تمامی بشریت باشد. جنگ یک عمل جنایتکارانه است و اصلاً هیچ قانون جدیدی نیز لازم نیست، زیرا که از زمان (دادگاه) نورنبرگ، جنگ به عنوان جنایت شناخته شده است، بزرگ‌ترین جنایات علیه بشریت و صلح، به عنوان وحشتناک‌ترین جنایات.

خسودفسکی: خوب، این طور بگوییم که متون نورنبرگ به روشنی مشخص می‌کنند: «جنگ یک اقدام جنایتکارانه است و بدترین اقدام جنگی علیه صلح می‌باشد.» این متن از نورنبرگ به کرات مورد نقل قول قرار گرفته است. متفقین می‌خواستند از آن علیه دول شکست‌خورده استفاده کنند و من نمی‌گویم که دیگر اعتبار ندارد؛ ولی در مورد جنایاتی که از طرف آن‌ها صورت گرفته و حتا جنایاتی که آن‌ها علیه آلمان و ژاپن انجام دادند، هیچ صحبتی نمی‌شود.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: در مورد کشور دوم با بمب اتمی!

خسودفسکی: خلاصه کنم، این برای من یک مسأله بسیار مهم است و هنگامی که ما در مورد یک ضدپیمان برای صلح صحبت می‌کنیم، به نظر من، مستوجب کیفر شناختن جنگ، بسیار اساسی است. این به معنی لغو جنگ خواهد بود؛ این یک اقدام جنایتکارانه است که باید از میان برداشته شود.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: بسیار خوب. مهم‌ترین جنایتکاران. چه کسانی آن‌ها را به دادگاه خواهند کشید؟

خسودفسکی: مشکل اینجاست که آن‌ها دادگاه‌های بین‌المللی را نیز کنترل می‌کنند، در نتیجه قضات این دادگاه‌ها هم جنایتکارند. چه کار می‌توان کرد؟

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: من می‌گویم که این بخشی از مصاف ایده‌هاست.

مسأله بر سر این است که بخواهیم جهان به یک فاجعه اتمی کشیده نشود، مسأله بر سر حفظ حیات است. ما نمی‌دانیم ولی حدس می‌زنیم که اگر انسان به این آگاهی برسد که موجودیت او، مردمش، عزیزترین دوستان و یا بستگانش به این رشته وابسته است، در آن صورت حتا رؤسای نظامی ایالات متحده آمریکا نیز آن را درک خواهند کرد، حتا با این که در زندگی خود این طور تربیت شده اند تا از اوامر اطاعت کنند، حتا در برخی اوقات دستورات در رابطه با نسل‌کشی را که نتیجه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و استراتژیکی خواهد بود، زیرا این چیزی است که در آکادمی نظامی به آن‌ها آموخته شده است.

از آنجا که همه این چیزها دیوانگی است، هیچ سیاست‌مداری جرأت ابراز این حقایق را به مردم ندارد. باید به آن‌ها باور داشت، در غیر این صورت دیگر چیزی وجود نخواهد داشت که ارزش مبارزه داشته باشد.

خسودفسکی: تصور می‌کنم، این طور است که می‌گویید، که در لحظه کنونی مباحثه بزرگ تاریخی بشریت، باید روی خطر جنگ اتمی، که آینده بشری را تهدید می‌کند، متمرکز شود و هر بحث دیگری که ما در مورد

حواجی اساسی و یا اقتصادی انجام خواهیم داد، لازم می‌دارد که از جنگ اجتناب کنیم و صلح جهانی را مستقر سازیم تا بتوان به حق سطح زندگی بر پایه حواجی اساسی را در سطح جهان طراحی کنیم. اما اگر ما مشکل جنگ را حل نکنیم، سرمایه‌داری نیز جان سالم به در نخواهد برد. آیا این طور نیست؟

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: نه، او قادر به ادامه حیات نخواهد بود. بر طبق کلیه تجزیه و تحلیل‌هایی که ما انجام داده ایم، سرمایه‌داری قادر به ادامه حیات نخواهد بود. سیستم سرمایه‌داری و اقتصاد بازار که به آن حیات می‌بخشد، از امروز به فردا از بین نخواهند رفت، ولی اگر بخواهیم بقای بشریت تضمین شود، باید امپریالیسم که براساس خشونت، سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های غیرهسته‌ای با فن‌آوری مدرن بنا شده، از بین برود.

حالا در این شرایط یک واقعیت عینی رخ می‌دهد که این دروغ عظیم که دنیا از آن رنج می‌برد، مؤید آنست: در شیلی ۳۳ کارگر معدن، ۷۰۰ متر زیر زمین گرفتار شدند و جهان از آزادی این ۳۳ نفر بسیار مسرور شد. خوب، این خیلی ساده بود ولی جهان چه خواهد کرد اگر بداند که باید ۶۸۷۷۵۹۶۳۰۰ نفر جمعیت را نجات داد؟ اگر ۳۳ نفر می‌توانند این چنین شادی و سروری را موجب شوند و کلیه رسانه‌ها در این روزها در مورد آن گزارش می‌دهند، پس چرا تقریباً ۷ میلیارد شهروند جهان نجات داده نمی‌شوند که زیر چتر خطری گرفتارند، که شاید مثل مردم هیروشیما و ناکازاکی به مرگ فجیعی جان سپارند؟

خسودفسکی: ببینید، این نیز دقیقاً مسأله گزارشاتی است که رسانه‌ها در مورد وقایع مختلف پخش می‌کنند و تبلیغاتی که به دنبال آن صورت می‌گیرد.

تصور می‌کنم، کاری را که مردم شیلی انجام دادند، یک عملیات عظیم انسان‌دوستانه بود. ولی این که یک حقیقت است، آن طور که شما تذکر دادید، اگر خطری برای بقای بشریت وجود داشته باشد، بایستی که در صفحه اول هر روزنامه‌ای در جهان بازتاب پیدا کند، زیرا که قربانی، جامعه بشری است و حتا می‌تواند به دنبال تصمیم یک ژنرال ۳ ستاره که ابعاد پی‌آمدهای آن را نمی‌شناسد، باشد. ولی اینجا در مورد شکل و شیوه‌ای

صحبت می‌کنیم که رسانه‌های گروهی به ویژه در غرب، این سؤال جدی را، یعنی خطر یک جنگ اتمی که بالقوه جهان کنونی را به مخاطره می‌افکند، مخفی می‌کنند. و ما باید آن را بسیار جدی تلقی کنیم، زیرا که هیلاری کلینتون و همین‌طور اوباما گفته‌اند، که در نظر دارند از بمب اتمی در یک جنگ به اصطلاح پیشگیرانه علیه ایران استفاده کنند.

بسیار خوب، ما چه جوابی باید ارایه کنیم؟ شما در رابطه با بیانات هیلاری کلینتون و باراک اوباما در مورد استفاده یک‌جانبه از سلاح اتمی علیه ایران، کشوری که برای هیچ‌کس تهدیدی نیست، چه می‌گویید؟

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: بلی، دو چیز برای من روشن است: آنچه که مورد بحث قرار داشت و در این روزها افشا شد، جروبحث شدید در شورای امنیت ایالات متحده آمریکا. به همین علت برای کتابی که وودوارد نوشته بود، ارزش زیادی قایل شدم، زیرا او در این کتاب افشا کرده است چگونه این گفت‌وگوها صورت گرفته‌اند. روشن است که موضع بایدن، کلینتون و اوباما کدام بود و در اصل کسی که در این بحث و گفت‌وگو بدون تزلزل با توسعه جنگ مخالفت داشت و قادر بود با نظامیان بحث کند، اوباما بود. این یک واقعیت عینی است. در اصل من در حال نوشتن جدیدترین تأملات خود درست در این مورد بودم. تنها کسی که به آنجا رفت و به او اندرز داد، به علت تعلقش به حزب جمهوری‌خواه، مخالف او، کالین پاول بود. او به اوباما یادآوری کرد که او رییس‌جمهور ایالات متحده آمریکا است. آن یک نصیحت دلگرم کننده بود.

فکر می‌کنم که این پیام باید به گوش همه برسد، منظورم آنچه که با یکدیگر گفت‌وگو کردیم است. تصور می‌کنم که افراد زیادی مقالاتی را که شما در گلوبال ریسرچ انتشار داده‌اید، مطالعه می‌کنند. فکر می‌کنم که باید انتشار یابد، در همان ابعادی که این مصاحبه را انجام دادیم و شما انتشار خواهید داد. من هر بار که شما در این مورد استدلال می‌کنید، فکر می‌کنید و افکار خود را تشریح می‌نمایید، خوشحال می‌شوم، زیرا به نظر من به دلایلی که ذکر کردید، فقدان عظیمی در مورد اطلاعات وجود دارد.

اکنون باید کشف کنیم که از کدام طریق و به چه شیوه‌ای می‌توان این افکار را انتشار داد؟ در دوران حواریون، آن‌ها تنها ۱۲ نفر بودند که این وظیفه را به عهده گرفتند، تا اصولی را که یک واعظ به آن‌ها فرا داده بود، ترویج کنند. بله، آن‌ها صدها سال در پیش داشتند. برعکس آن‌ها ما این وقت را در اختیار نداریم. ولی الان در لیست شخصیت‌هایی که در گلوبال ریسرچ کار می‌کنم، که بیش از ۲۰ نفر است، دیدم آن‌ها انسان‌های سرشناسی هستند که دارای همین عقیده اند. ولی آن‌ها صدها سال در اختیار ندارند، بلکه خیلی خیلی کم‌تر.

خسودفسکی: جنبش ضدجنگ در ایالات متحده آمریکا، کانادا و اروپا یک‌دست نیست. برخی براین عقیده اند که خطر از جانب ایران ناشی می‌شود، دیگران می‌گویند که خطر از جانب تروریست‌هاست و روی هم‌رفته کژآگاهی‌های زیادی در درون جنبش ضدجنگ وجود دارد.

علاوه برآن در همایش اجتماعی جهانی جنگ اتمی بخشی از مباحثه مابین نیروهای چپ و یا افراد مترقی نیست. به هنگام جنگ سرد در مورد خطر درگیری اتمی صحبت می‌شد و مردم دارای این آگاهی بودند.

در همایش اخیر سازمان ملل متحد در نیویورک راجع به عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی روی تهدید اتمی توسط مؤسسات غیردولتی و تروریست‌ها تأکید شد.

پرزیدنت اوباما گفت که خطر از جانب القاعده ناشی می‌شود، که آن‌ها سلاح اتمی در اختیار دارند و علاوه برآن، انسان وقتی سخنرانی اوباما را مطالعه می‌کند، در آن اشاره می‌شود که تروریسم قادر است بمب‌های اتمی کوچک، که آن را بمب کثیف می‌نامند، تولید کند.

بسیار خوب، این هم شیوه‌ای است که بتوان کاملاً چیزهای دیگری را برجسته کرد و مورد تأکید قرار داد.



کمانداتنه فیدل کاسترو روس: این‌ها چیزهایی است که به او می‌گویند، چیزهایی که به مردم خود می‌گویند تا باور کنند.

ببینید، من با تأملات خود چه می‌کنم؟ من آن‌ها را در سازمان ملل متحد پخش می‌کنم، آن‌ها را به کلیه دولت‌ها ارسال می‌دارم- البته تأملاتی که کوتاه هستند- و می‌دانم که افراد زیادی آن‌ها را مطالعه می‌کنند. مشکل در اینجا است که آیا شما حقیقت را بیان می‌کنید یا خیر. مسلماً وقتی که انسان کلیه این اطلاعات را در مورد یک مسأله مشخص جمع‌آوری کند، چون که تأملات نیز موضوع‌های مختلفی را مطرح می‌کند، تصور می‌کنم انسان باید خود را بیش‌تر متمرکز کند، و ما باید انتشارات خود را بیش‌تر روی مسایل اساسی متمرکز سازیم. نمی‌توان به طور جامع به همه مسایل پرداخت.

خسودفسکی: می‌خواهم از شما یک سؤال بکنم، زیرا که یک سؤال اساسی در رابطه با انقلاب کوبا وجود دارد. من براین عقیده‌ام که مباحثه در مورد آینده بشریت در عین حال بخشی از گفتمان انقلابی است.

هنگامی که جامعه در کل خود از طرف جنگ اتمی مورد تهدید قرار می‌گیرد، تا حدی لازم است که یک انقلاب در فکر و عمل علیه این واقعه به وجود آید.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: باید گفت که بشریت در عمق ۸۰۰ متری گرفتار است و باید بیرون کشیده شود، باید عملیات نجات صورت گیرد. این پیامی است که باید به برخی از مردم منتقل کنیم. اگر تعداد زیادی از مردم این گونه بیاندهند، بسیاری از مردم همان کاری را خواهند کرد که شما در حال حاضر می‌کنید و از همان چیزی پشتیبانی کنند که شما پشتیبانی می‌کنید. دیگر وابسته به آن نیست که چه کسی می‌گوید، کسی باید این را بگوید.

باید پیدا کرد که چگونه می‌توان توده‌ها را با آگاهی زیاد جلب کرد. راه‌حل در روزنامه‌ها نیست. اینترنت وجود دارد، که هم ارزان‌تر است و هم ساده‌تر می‌توان به آن دست یافت. من از طریق اینترنت به شما نزدیک شدم، در جست‌وجوی خبر. نه از طریق آژانس‌های خبری و نه ارگان‌های رسانه‌ای، نه CNN، بلکه در جست‌وجوی خبر از طریق بولتنی از مقالات انتشار یافته در اینترنت، که هر روز دریافت می‌کنم. بیش از ۱۰۰ صفحه در روز.

دیروز در این مورد صحبت می‌کردند که تا چندی پیش دوسوم مردم آمریکا علیه جنگ با ایران بودند و امروز بیش از ۵۰ درصد موافق اقدامات نظامی علیه ایران می‌باشند.

خسودفسکی: آنچه که به ویژه در ماه‌های اخیر رخ داد این است که می‌گویند: «بلی، جنگ اتمی خطرناک است، تهدید است، ولی تهدید از طرف ایران است.» و در نیویورک پلاکات‌هایی بود که رویش نوشته شده بود: «بگویند نه به ایران هسته‌ای!» و پیام این پلاکارد این بود که ایران را تهدیدی برای امنیت جهانی قلمداد کند، حتی اگر این تهدید اصلاً وجود نداشته باشد، زیرا که آن‌ها دارای بمب اتمی نیستند. کوتاه کنم، ما مسایل را تعقیب می‌کنیم. در اوایل هفته جاری نیویورک تایمز متنی را انتشار داد که می‌گفت قتل سیاسی قانونی است.

در نتیجه تا به جایی برسد که ما دارای رسانه‌هایی به تیراژ رسانه‌های آنها شویم که این چیزها را تحویل ما می‌دهند، کار سنگینی در مقابل ماست. ما هیچ امکانی نداریم که این روند را به کمک رسانه‌های آلترناتیو به عقب رانیم. علاوه بر آن امروزه بسیاری از رسانه‌های آلترناتیو از طرف قدرت‌های اقتصادی تأمین می‌گردند.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: و با این وجود باید مبارزه کنیم.

خسودفسکی: پیام شما را که دیروز انتشار دادم این است: در صورت یک جنگ اتمی خسارت جانبی تمامی بشریت خواهد بود.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: بشریت، هستی بشریت.

خسودفسکی: این درست است که اینترنت برای این که بتواند از وقوع این جنگ جلوگیری کند، باید خیلی وسیع‌تر از یک وسیله پخش مطلب باشد.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: خوب، این تنها راه برای جلوگیری آن است. اگر ما در سطح جهان یک نظر عمومی به وجود آوریم، درست مثل نمونه‌ای که من اشاره کردم: تقریباً ۷ میلیارد انسان در عمق ۸۰۰ متری گرفتارند؛ ما باید آنچه را که در شیلی اتفاق افتاد به کار گیریم تا این مسایل را اشاعه دهیم.

خسودفسکی: تشبیهی را که شما در مورد ۳۳ معدنچی بیان داشتید، وقتی که می‌گویید ۳۳ معدنچی زیر زمین اند که باید نجات داده شوند، که رسانه‌ها در مورد آنها گزارش دادند و وقتی که می‌گویید که ما تقریباً ۷ میلیارد شهروند داریم که در عمق ۸۰۰ متری گرفتارند و درک نمی‌کنند که چه اتفاقی در حال وقوع است و ما باید آنها را نجات دهیم، زیرا که بشریت در کل خود از طرف سلاح‌های اتمی ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان آن در خطر است، زیرا آنها هستند که می‌گویند حاضرند این سلاح را به کار گیرند.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: و آنها از آن استفاده خواهند کرد، اگر مقاومتی صورت نگیرد و جنبش مقاومتی علیه آن وجود نداشته باشد. آنها از تفوق نظامی و تکنولوژی مدرن خود غرور شده اند. گویی که از آن سرمست اند و نمی‌دانند که چه می‌کنند.

آنها پی‌آمدهای این کار را درک نمی‌کنند. آنها معتقدند که می‌توانند آن را سر پا نگاه دارند. ولی این کار غیرممکن است.

خسودفسکی: و یا این که تصور می‌کنند آن هم خیلی ساده مثل هر سلاح متعارف دیگری است.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: بلی، آنها سر خود را شیره می‌مالند و معتقدند که می‌توان آن سلاح را مجدداً مورد استفاده قرار داد. آنها دوران را عوضی گرفته اند و به خاطر نمی‌آورند که اینشتاین چه گفته بود: او نمی‌داند که جنگ سوم با چه سلاح‌هایی صورت خواهد گرفت، ولی جنگ چهارم مطمئناً با سنگ و چماق خواهد بود. و من مایل اضافه کنم: «... اما از آن پس دیگر کسی که بتواند از این سنگ و چماق استفاده کند، وجود نخواهد داشت.» واقعیت این طور است؛ این را در آن مطلب کوتاهی که مرا به نوشتنش ترغیب کردید بیان کرده ام.

خسودفسکی: مشکلی که من می‌بینم در اینجاست که استفاده از بمب اتمی الزاماً نباید به معنی پایان از امروز به فردای حیات بشری باشد، زیرا که آثار رادیواکتیو یک روند کومولاتیو و یا انباشتی است.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: ببخشید چه گفتید؟ لطفاً دوباره تکرار کنید!

خسودفسکی: سلاح اتمی دارای پی‌آمدهای مختلفی است: یکی انفجار و ویرانی صحنه جنگ است، مثل آن پدیده پرهیبت در هیروشیما؛ و دیگری در توسعه و پخش اشعه رادیواکتیو.



کماندانه فیدل کاسترو روس: بلی، زمستان هسته‌ای، آن طور که نامیده می‌شود. پرفسور سرشناس آمریکایی و کادر سابق دانشگاه روتگرز در نیوجرسی، بنام آلن رابوک به شکل غیرقابل انکاری ثابت کرده که شروع جنگ مابین دو قدرت از ۸ قدرت اتمی، که دارای سلاح‌های اتمی کم‌تری هستند، باعث پدید آمدن یک «زمستان هسته‌ای» خواهد بود. او این واقعیت را در مقام رییس گروهی از محققین که برنامه‌های پیشرفته کامپیوتری برای تکامل مدل به کار گرفته بودند، کشف کرده بود.

انفجار ۱۰۰ سلاح استراتژیکی از بین ۲۵ هزار سلاحی که در اختیار ۸ کشور اتمی نامبرده قرار دارد، کافیست که دمای هوا را به زیر صفر درجه کاهش دهد و یک شب هشت‌ساله برای تمام کره زمین به ارمغان آورد. پرفسور رابوک می‌گوید این وضعیت به قدری وحشتناک است که افراد به «وضعیت نفی» دچار می‌شوند، «آنها نمی‌خواهند به آن بیاندیشند، ساده‌تر است که تصور کنند، که این وضعیت وجود ندارد.» طی یک مراسم بین‌المللی که من افتخار شرکت در آن را داشتم، او شخصاً این مسأله را برای من تعریف کرد.

باری به هر جهت، ولی من از تز زیر حرکت می‌کنم: اگر در ایران جنگی آغاز شود، این جنگ به طور غیرقابل اجتنابی به یک جنگ اتمی جهانی مبدل خواهد گردید. لذا ما دیروز گفتیم که درست نبود اجازه داده

شود که این توافق در شورای امنیت سازمان ملل متحد به وجود آید، زیرا که اکنون همه چیز ساده‌تر شد، متوجه می‌شوی؟

یک چنین جنگی در ایران نمی‌تواند تنها یک جنگ محلی باقی بماند، زیرا که ایرانیان در مقابل زور سر فرود نخواهند آورد. اگر جنگ خصلت متعارف خود را حفظ کند، در آن صورت جنگی خواهد بود که ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی نمی‌توانند از آن پیروز بیرون آیند و من ادعا می‌کنم که آن جنگ بسیار زود به یک جنگ اتمی تبدیل خواهد گردید. اگر ایالات متحده آمریکا دچار این اشتباه شود که از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی استفاده کند، در آن صورت تکان شدیدی به جهان وارد خواهد شد و آن‌ها دیگر نخواهند توانست وقایع را زیر کنترل خود نگاه دارند و همه چیز از دست آن‌ها خارج خواهد شد.

اگر اوپاما مجبور بود در مورد این که در افغانستان چه باید کرد، با پنتاگون به شدت بحث و جدل کند، پس وضعیت اوپاما را متصور شوید آنگاه که سربازان آمریکایی و اسرائیلی مجبور باشند علیه میلیون‌ها مبارز ایرانی بجنگند. عربستان سعودی در ایران نخواهد جنگید، همین‌طور پاکستان و یا هر سرباز عرب و یا مسلمان دیگر.

اتفاقی که می‌تواند به وقوع پیوندد، این که یانکی‌ها می‌توانند دچار درگیری جدی با قبایل پاکستانی شوند که آمریکا با هواپیماهای بی‌سرنشین به آن‌ها حمله می‌کند و آن‌ها را به قتل می‌رساند و این را آن‌ها خوب می‌دانند. وقتی که آن‌ها در نظر دارند ضربه‌ای به این قبایل وارد کنند، اول به آن‌ها حمله می‌کنند و بعد به دولت (پاکستان) اطلاع می‌دهند، قبل از حمله هیچ حرفی نمی‌زنند؛ این هم جزو چیزهایی است که مردم پاکستان را از همه بیش‌تر برانگیخته می‌کند. در آن کشور خصومت قوی علیه ایالات متحده آمریکا وجود دارد.

این اشتباه است که تصور شود، اگر سلاح هسته‌ای تاکتیکی علیه آن‌ها به کار برده شود، ایرانی‌ها تسلیم خواهند شد؛ و دنیا تکان خواهد خورد و ملت‌ها خواهد شد ولی شاید هنگامی که دیگر دیر شده است.

خسودفسکی: آنها نمی‌توانند در یک جنگ متعارف پیروز شوند.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: آن جنگ را آنها نخواهند برد.

خسودفسکی: و ما در عراق شاهد آن هستیم. و همین طور در افغانستان. آنها می‌توانند یک کشور را ویران

کنند، ولی از منظر نظامی نمی‌توانند پیروز شوند.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: ولی فقط برای ویران کردن، به چه قیمتی، به چه قیمتی در مقابل چشم دنیا، به

چه قیمت مالی و اقتصادی مختلفی چهارنعل به سوی فاجعه. مشکلاتی که شما بر شمردید، تشدید خواهند شد،

حتا مردم آمریکا نیز واکنش نشان خواهند داد؛ زیرا هر چند که مردم آمریکا اغلب خیلی دیر واکنش نشان

می‌دهند ولی سرانجام واکنش نشان می‌دهند. مردم آمریکا نسبت به خسارات و کشته‌شدگان واکنش نشان

خواهند داد.

بسیاری از مردم در طول جنگ ویتنام از دولت نیکسون پشتیبانی می‌کردند. او حتا به کیسینجر پیشنهاد کرد که

در ویتنام بمب اتمی به کار گیرد و کیسینجر او را از این گام بزهکارانه بازداشت. ایالات متحده آمریکا به

خاطر مردم آمریکا مجبور شد جنگ را به پایان ببرد. آنها مجبور شدند مذاکره کنند و ویتنام جنوبی را تحویل

دهند. ایران می‌بایستی که از منطقه نفت‌خیز خود چشم‌پوشی کند. در ویتنام آنها چه چیز تحویل دادند؟ تنها

هزینه. و سرانجام امروز مجدداً آنها در ویتنام اند، در آنجا نفت می‌خرند و به تجارت مشغول اند. در ایران

زندگی بسیاری از انسان‌ها نابود خواهد شد و شاید تأسیسات نفتی در منطقه نسبتاً عظیمی از بین برود.

در یک چنین وضعیتی مثل امروز خیلی خوب ممکن است که آنها پیام ما را درنیابند. اگر جنگ آغاز شود، به

نظر من نه آنها و نه جهان چیزی به دست نخواهد آورد. اگر جنگ، جنگ معمولی باشد که اصلاً این طور به

نظر نمی‌رسد، که آنها به طور مسلم آن را خواهند باخت و اگر به جنگ اتمی جهانی تبدیل گردد که در آن صورت بشریت آن را خواهد باخت.

خسودفسکی: ایران از نیروهای نظامی متعارف نسبتاً قوی برخوردار است.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: میلیون‌ها.

خسودفسکی: هم نیروی زمینی، ولی هم چنین موشک و علاوه بر آن کشور دارای امکاناتی برای دفاع از خود است.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: تا وقتی که یک فرد مسلح در آنجا باشد، دشمنی است که آنها باید او را از بین ببرند.

خسودفسکی: و در آنجا میلیون‌ها سلاح وجود دارد.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: میلیون‌ها، و آنها مجبورند بسیاری از مردم آمریکا را قربانی کنند. متأسفانه تازه آن وقت زمانی فرا می‌رسد که مردم آمریکا واکنش نشان خواهند داد. اگر آنها امروز واکنش نشان ندهند، بعد واکنش نشان خواهند داد، هنگامی که دیر خواهد بود. این را باید نوشت و در چارچوب امکانات خود انتشار داد و ترویج کرد. این سناریو را به خاطر آورید: مسیحیان تحت پیگرد قرار دارند. آنها را به سیاه‌چال افکندند، آنها را کشتند و در مقابل شیر افکندند. آنها قرن‌ها تحمل کردند و به اعتقادات خود پشت نکردند و بعدها همین کار را با مسلمانان کردند، بدون این که آنها هرگز تسلیم شوند.

یک جنگ واقعی علیه جهان اسلام صورت می‌گیرد. چرا درس‌های تاریخ به دست فراموشی سپرده می‌شوند؟ من بسیاری از آن مقالات را که شما در مورد این جنگ نوشته اید خوانده ام.

خسودفسکی: به مسأله ایران بازگردیم. من معتقدم که بسیار مهم است که افکار عمومی باید صحنه جنگ را درک کنند. شما توضیح دادید که آن‌ها جنگ متعارف را خواهند باخت. آن‌ها این جنگ را در عراق و در افغانستان می‌بازند و ایران به مراتب نیروی نظامی قوی‌تری از سازمان نظامی ناتو در اختیار دارد.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: بسیار باتجربه‌تر و بانگیزه‌تر. آن‌ها اکنون با افغانستان و با عراق درگیرند، همین طور با آن‌هایی که نام نمی‌برند: با پاکستانی‌ها که با کسانی که در افغانستان مقاومت می‌کنند، هم‌نژادند. و به طوری که کتاب «جنگ اوپاما» نوشته باب وودوارد گزارش می‌دهد، آن‌ها در گفت‌وگوهای خود در کاخ سفید آن جنگ را از دست‌رفته ارزیابی می‌کنند. مجسم کنید که آن‌ها علاوه بر آن، جنگ دیگری را در آنچه که پس از ضربه اول به ایران باقی مانده، آغاز کنند.

بدین صورت سرانجام آن‌ها خود را در وضعیت یک جنگ متعارف خواهند یافت که نخواهند توانست از آن پیروز بیرون بیایند و یا این که مجبور خواهند بود وارد یک جنگ اتمی جهانی شوند. من این را طوری مصرف می‌کنم، تحت این شرایط که یک جنگ بزرگ جهانی آغاز خواهد شد. نمی‌دانم که چه کسی مجبور خواهد بود آن نوع جنگ را که مجبورند آغاز کنند، توجیه کند. آن‌ها ۴۵۰ هدف در ایران را برای ویران کردن مشخص کرده‌اند که به نظر آن‌ها برخی از این هدف‌ها باید با کلاهک‌های اتمی تاکتیکی مورد حمله قرار گیرند، به خاطر وضعیت آن‌ها در مناطق کوهستانی و عمق آن‌ها. و در اینجا بسیاری از پرسنل روس و ملیت‌های دیگر که با ایرانی‌ها همکاری می‌کنند به قتل خواهند رسید.

واکنش افکار عمومی جهان در رابطه با این ضربه چگونه خواهد بود، ضربه‌ای که اکنون به طور غیرمسئولانه‌ای توسط رسانه‌ها و با پشتیبانی بسیاری از آمریکایی‌ها خواسته می‌شود؟

خسودفسکی: یک مطلب دیگر: ایران، عراق، افغانستان همه به نحوی همسایه یکدیگرند. ایران دارای یک مرز مشترک با افغانستان و یک مرز مشترک با عراق است. و ایالات متحده آمریکا و پیمان نظامی ناتو دارای

پایگاه‌ها و تأسیساتی در این دو کشور که اشغال کرده‌اند، می‌باشند. چه اتفاقی خواهد افتاد؟ فکر می‌کنم که نیروهای ارتش ایران فوراً از مرزها عبور خواهند کرد.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: به هر حال، من نمی‌دانم که آن‌ها چه تاکتیکی را اتخاذ خواهند کرد، ولی اگر انسان خود را جای آن‌ها بگذارد، تمرکز نیروها به صرفه نیست، زیرا که در آن صورت قربانی ضدحمله با سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی خواهند شد. یعنی، این طور که تهدید نشان می‌دهد، بهتر خواهد بود که تاکتیکی شبیه تاکتیک ما در جنوب آنگولا مورد استفاده قرار گیرد، زیرا که ما فکر می‌کردیم آفریقای جنوبی دارای سلاح اتمی است. ما گروه‌های تاکتیکی ۱۰۰۰ نفره با قدرت آتش نیروی زمینی و پدافند زمین به هوا تشکیل دادیم. سلاح‌های هسته‌ای هیچ‌گاه تعداد زیادی از سربازان را در محدوده خود نداشت. موشک‌های زمین به هوا و سلاح‌های مشابه نیروهای ما را مورد پشتیبانی قرار می‌دادند. سلاح و صحنه تغییر می‌کرد و تاکتیک‌ها می‌بایستی به طور مستمر تغییر یابند.

خسودفسکی: پراکنده.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: پراکنده، ولی آن‌ها سربازان منفرد نبودند، تقریباً ۱۰۰۰ نفر با سلاح‌های مناسب. صحنه ماسه‌ای بود و آن‌ها هر جا که می‌رسیدند می‌بایستی که سنگر می‌کنند و خود را در سنگرهای زیرزمینی محفوظ می‌ساختند، و در همین حال همیشه بیش‌ترین فاصله بین واحدها را حفظ می‌کردند. هیچ‌گاه به دشمن اجازه داده نشد که به ۶۰ هزار سرباز کوبایی و آنگولایی در جنوب آنگولا ضربه مهلکی وارد سازد.

آنچه که ما در کشور برادر خود انجام دادیم، چیزی بود که یک ارتش ۱۰۰۰۰۰ نفری می‌توانست با معیارهای سنتی انجام دهد. به هر حال، ما ۱۰۰۰۰۰ نفر نبودیم. در جنوب آنگولا ۶۰۰۰۰ سرباز کوبایی و آنگولایی وجود داشت. به خاطر پیش‌شرط‌های تکنیکی و تخصصی، گروه‌های تاکتیکی عمدتاً کوبایی بودند، چون استفاده از تانک، موشک، پدافند هوایی، مخابرات به عهده آن‌ها بود. ولی پیاده‌نظام از سربازان آنگولایی و کوبایی تشکیل

می‌شد، که روحیه مبارزه‌جویانه بسیار قوی داشتند، که در ستیز با ارتش سفیدپوستان آپارتاید که از طرف ایالات متحده آمریکا و اسرائیل تقویت می‌شد، لحظه‌ای تردید به خود راه نمی‌دادند. اجازه استفاده از سلاح‌های اتمی که در آن زمان در اختیار آنها بود، به عهده چه کسانی بود؟

در مورد ایران اخبار منتشره حاکی از کندن خندق توسط نیروهای ایران است و وقتی از آنها سؤال می‌شود، می‌گویند که آنها در حال کندن قبر متجاوزین می‌باشند. نمی‌دانم که آیا منظورشان طعنه است یا نه ولی معتقدم اگر برای حفظ نیروهای خودی در مقابل حمله‌ای که آنها را تهدید می‌کند باشد، در آن صورت باید خیلی عمیق‌تر حفر کنند.

خسودفسکی: ایران قادر است تا یک میلیون نفر سرباز را بسیج نماید.

کمانداتنه فیدل کاسترو روس: تنها افراد تعیین‌کننده نیستند، بلکه سیستم فرماندهی هم بسیار مهم است. به نظر من عدم تمرکز خیلی مهم است. مهاجمین کوشش خواهند کرد، خطوط ارتباطی مخابراتی برای ارسال فرمان‌ها را مختل سازند. هر واحد رزمی باید از قبل بداند که در شرایط مشخص چه کار باید کرد. مهاجمین کوشش خواهند کرد تا با سلاح‌های رادیوالکترونیکی خود به زنجیره فرمان ضربه وارد آورده و آن را منهدم سازند. تمام این فاکتورها باید در نظر گرفته شوند. بشر تاکنون با یک چنین تجربیاتی مواجه نشده است. مهم نیست که تحت چه شرایطی، ولی آنچه که آنها در افغانستان با آن مواجه شدند و همین‌طور هم در عراق، نسبت به آنچه در ایران با آن روبه‌رو خواهند بود، پیش پا افتاده است: تسلیحات، آموزش و تعلیم، طرز فکر و نوع سربازان. وقتی که مبارزین ایرانی ۳۱ سال پیش زمین‌های مین‌گذاری شده را بی‌اثر می‌کردند، بدین صورت که از روی آنها عبور می‌نمودند، مطمئناً مخالفان مخوفی خواهند بود که ایالات متحده آمریکا باید با آنها دست‌وپنجه نرم کند.